

The appropriateness of the opening and closing words of the surahs in the Shia and Sunni interpretations with the focus of the surahs of the Mosbahat

(Received: 2022/08/10- Accepted: 2023/04/30)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2023.7.2.12.7>

Mina Vahdani Benam¹

Abstract

One of the important issues of Quranic sciences is the problem of compatibility of verses and chapters of the Holy Quran. There is a difference of opinion among scholars on the issue of compatibility between verses and chapters. On the one hand, commentators such as Zamakhshari seek the main miracle of the Qur'an in its order and continuity, and on the other hand, some scholars have denied it, or orientalist like Richard Bell and Arthur Arberry believe that the contents of the Quran are inconsistent. The present research has analyzed the compatibility between the verses of the Qur'an and chapters Mosbahat of the Qur'an in order to achieve the relevance and connection of the verses. The present study has taken a descriptive-analytical approach. In this regard, after the conceptualization of the words and the presentation of the identification of Surah "Mosbahat", the opinion of the supporters and opponents of the appropriateness of the opening and closing verses of the "Mosabar" surahs has been researched. The findings and results of the research indicate that in the examination of the compatibility between the Fatah and the Khatam of Surah Mosbahat, it is considered that: in Surahs Isra, Saf, Juma, Al-Ala, the compatibility is of a spiritual type, and in Surahs Hadid, Hashr, and Taghaban It is a verbal and spiritual type, and according to Ibn Ashur, it is one of the surams. Only in Surah al-Hashr, the appropriateness is for "Rad al-ajz ela al-Sadr".

Keywords: The Holy Quran, Surah Mosbahat, Fuatah and Khawatam, Tafsirfariqin, appropriateness verses and chapters

دو فصلنامه علمی مطالعات تفسیری قرآنی

سال هفتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۴

پاییز و زمستان

۱۴۰۱

1. PhD Student, Department of Quran and Hadith, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. mina.vahdani2014@gmail.com



تناسب فواتح با خواتم سور در تفاسیر فریقین با محوریت سور مسبّحات

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2023.7.2.12.7>

مینا وحدانی بنام^۱

چکیده

از موضوعات علوم قرآنی، مسأله تناسب آیات و سور قرآن کریم می‌باشد که در موضوع تناسب میان آیات و سور در بین محققان اختلاف نظر است؛ از یک سو مفسرانی همچون کشاف که اصلی‌ترین وجه إعجاز قرآن را در نظم و پیوستگی آن می‌جوید و از سوی دیگر برخی از محققان آن را انکار کرده و با مستشرقانی همچون ریچارد بل و آرتور آربری قرآن را کاملاً جدا از هم دانسته و بر عدم پیوستگی آن معتقدند. تحقیق حاضر به واکاوی تناسب میان فواتح با خواتم سور مسبّحات قرآن پرداخته تا از این رهگذر به تناسب و ارتباط این سور دست یابد. مقاله پیش رو با رویکرد توصیفی - تحلیلی در صدد آن است که دیدگاه مفسران و دانشمندان علوم قرآنی (موافقان و مخالفان) را در رابطه با تناسب آیات آغازین با آیات پایانی در سور مسبّحات را مورد پژوهش قرار دهد. یافته‌ها و نتایج پژوهش حاکی از آن است که در بررسی تناسب میان فواتح با خواتم سور مسبّحات چنین برداشت می‌شود که: در سوره‌های اِسراء، صف، جمعه، اعلی؛ تناسب از نوع معنوی و در سوره‌های حدید، حشر، تغابن از نوع لفظی و معنوی می‌باشد و بنابر نظر برخی از مفسران از بین این سور تنها در سوره حشر، تناسب از باب ردّ العجز إلی الصدراست.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، سور مسبّحات، فواتح و خواتم، تناسب آیات و سور

مقدمه

قرآن، کتاب هدایت است و در عین اینکه به تدریج نازل شده و از موضوعی به موضوعی دیگر می‌پردازد، هدف کلی آن، راهنمایی نوع بشر به راه فلاح و رستگاری است و هر یک از سوره‌ها با پیش کشیدن موضوعات مختلف، گوشه‌ای از این هدف کلی را محقق ساخته‌اند، موضوعاتی که در برآوردن هدف سوره، هماهنگی و اتفاق کامل دارند این ارتباط و پیوستگی بی نظیر، در هر سوره‌ای از قرآن نمایان است که بر اساس حکمتی خاص آن‌ها را در ترتیب فعلی خود قرار داده است. از جمله آنها سور مسبحات می‌باشد.

در این پژوهش با استفاده از علم تناسب، به‌ویژه تناسب لفظی و معنوی میان سور به تناسب آیات و سور مسبحات در چهار بخش پرداخته شده است. در بخش اول مفهوم‌شناسی واژگان را بررسی کردیم و در بخش دوم به شناخت‌نامه سور مسبحات پرداختیم و در ادامه در بخش سوم به دیدگاه مفسران و دانشمندان در رابطه با علم تناسب (موافقان و موافقان) اشاره شده و نهایتاً در فصل چهارم تناسب فواتح با خواتم سور مسبحات مورد بررسی قرار گرفته است.

بیان مسأله

یکی از مباحث ارزشمند علوم قرآنی «تناسب آیات» با یکدیگر است که از دیرباز مورد توجه محققان و مفسران بوده است. در مورد وجود تناسب یا عدم آن میان محققان و مفسران اختلاف نظر وجود دارد: برخی علم مناسبت و برقراری ارتباط میان آیات و سور را قبول دارند و قائل به توقیفی بودن نظم سور و آیات قرآن هستند ولی برخی به تناسب میان آیات و سور اعتقاد نداشته و قائل به عدم توقیفی بودن، هستند و آن را بر مبنای وحدت سیاق می‌دانند.

از فخر رازی معتقد است کسانی که از موهبت قریحه و ذوق قوی در کشف علوم الهی برخوردار باشند، به این نکته پی‌می‌برند که ترتیبی بهتر و کامل‌تر از چینش و هم‌جواری آیات قرآن وجود ندارد. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۷/۵۶۲)

صبحی صالح نیز معتقد است: «ترتیب توقیفی سوره‌ها لزوماً به این معنی نیست که میان هر سوره و سوره پس از آن رشته‌های پیوندی نزدیک وجود داشته باشد». (صبحی صالح، ۱۹۷۷: ۱۵۱-۱۵۲)

سیوطی علم مناسبت را فنی ارزنده دانسته و بر این عقیده است که به‌موجب آن، پیوند اجزای سخن همانند بنایی مستحکم قوت می‌یابد، هر چند مفسران به سبب دقتی که در آن هست، کمتر به آن اهتمام ورزیده‌اند. (سیوطی، ۱۳۷۶: ۱/۳۴۱)

برخی دیگر، فعالیت‌ها و تناسب میان سوره‌های قرآنی را انکار کرده‌اند؛ آیت‌الله معرفت

معتقداست که هیچ تناسب معنوی میان سور با یکدیگر وجود ندارد و هرگز ترتیب موجود بین سوره توقیفی نیست، بلکه این کار به دست صحابه از روی برخی مناسبت‌ها - مثلاً بزرگی و کوچکی سوره‌ها و از این قبیل انجام گرفته است. (معرفت، ۱۳۷۹: ۲۴۶) با توجه به اینکه در رابطه با انواع تناسب‌ها کارهای زیادی صورت گرفته اما در مورد آغاز و انجام سور مسبّحات کار خاصی صورت نگرفته است. این پژوهش در پی آن است که تناسب فواتح با خواتم سور مسبّحات را در تفاسیر فریقین مورد بررسی قرار دهد و به این سوال پاسخ دهد که آغاز و انجام سور مسبّحات از نگاه مفسران چه تناسب‌هایی باهم دارند؟

پیشینه تحقیق

زرکشی آغازکننده علم تناسب را ابوبکر نیشابوری می‌داند. (زرکشی، ۱۴۰۸: ۶۳). پس از ابوبکر نیشابوری، بسیاری از مفسرین و قرآن‌پژوهان در تألیفات خود در رابطه با تناسب آیات قرآن بر این موضوع توجه داشته‌اند (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۴). برخی از مفسران متأخر نیز به این بحث توجه نشان دادند و حتی محور کار خود را تناسب و همبستگی آیات و سوره‌ها قرار داده‌اند (خامه‌گر، ۶۳-۶۶؛ همای، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۱) در این خصوص پایان‌نامه‌هایی نیز به نگارش درآمده‌اند، مانند تناسب سور حامدات از فاطمه اکبرزاده، تناسب سور عزائم از حلیمه رهگشای، سبک‌شناسی سور مسبّحات قرآن کریم از فاطمه رساء و مقاله‌ای با عنوان سوره‌شناسی سور مسبّحات از زهرا اعتصامی.

با توجه به اینکه در موضوع بحث تناسب و تناسب در سور پژوهش‌هایی انجام گرفته، اما در خصوص تناسب سور مسبّحات، هیچ‌گونه پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ در این پژوهش در صدد آن هستیم که این مسأله را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۱. مفهوم‌شناسی واژگان

۱-۱. تناسب

«تناسب» و «مناسبت» در لغت از ماده «نسب» و از باب تفاعل به معنای همانندی و پیوند داشتن چیزی با چیز دیگر (احمد بن فارس، ۱۴۰۴: ذیل واژه تناسب)، وجود ارتباط دوطرفه میان دو چیز (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۰۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۷۱)، مثل هم و هم شکل بودن (واسطی، ۱۴۱۴: ۴۳۰) با هم نسبت دادن، وجود نسبت و رابطه میان دو کس یا دو چیز، موافقت و هماهنگی، سازواری (معین، ۱۳۷۶: ۱۸۵) است.

زرکشی معتقد است: «مناسبت در لغت به معنای نزدیکی است و فلانی با فلان مناسب است یعنی بدان نزدیک و همانند است کلمه نسیب به معنای خویشاوند از همین ماده

است مانند دو برادر یا پسرعمو و مانند آن». (زرکشی، ۱۳۸۶: ۶۱)

«تناسب» در اصطلاح علوم قرآنی به معنای هم‌شکلی و هم‌بستگی میان آیات و پیوند لفظی و یا معنای آیه‌ای با آیه دیگر است که گاه به صورت عام و خاص، گاه پیوند عقلی، حسی و خیالی یا نوعی از علاقه و تلازم ذهنی مثل سبب و مسبب، علت و معلول و یا حتی دو مخالف و ضدی است که پیوستگی موضوعی را نشان می‌دهد.

(زرکشی، ۱۴۰۸: ۱۳۱؛ سیوطی، ۱۳۷۶: ۳۴۳)

برخی نیز معتقدند: «علم مناسبات قرآنی دانشی است که به‌وسیله آن علل چگونگی ترتیب یافتن اجزای قرآن شناخته می‌شود و این دانشی است که گویای اسرار بلاغی آن است؛ چون ثمره آن اثبات سازگاری معانی با مقتضای حال مخاطب آن است». (بقاعی، ۱۴۲۷: ۵).

۱-۲. سوره

«سوره» از نظر لغوی از ماده «سور» به معنای جهیدن به سمت بالاست و «سورالمدينة»؛ به معنای دیوار گرداگرد شهر است و «سوره قرآن» نیز به آن تشبیه شده است؛ زیرا هر سوره آیاتی از قرآن را در بر گرفته است، همان‌گونه که دیوار شهر، خانه‌های شهر را احاطه کرده است و یا از آن‌رو که سور و باروی شهر، خانه‌های شهر و همه آن‌چه را درون شهر است فرا می‌گیرد، سوره قرآن نیز همه آیات و کلمات آن سوره را در بر می‌گیرد. (راغب، ۱۴۱۲: ۴۳۴)

سوره در اصطلاح عبارتند از: «قطعه‌ای است از کلام الهی که از انسجام محتوایی برخوردار بوده و دارای آغاز و انجام است. قرآن کریم ۱۱۴ سوره دارد که اول آن فاتحه و آخر آن سوره ناس است. قطعه‌های مختلف کتاب الهی نیز به این مناسبت به سوره نام‌گذاری شده که مانند سور شهر یا روستا، مانع تهاجم مخالفان است و هر سوره مظهر هیجان و اعتلا و ظهور خداوند در برابر معاندان است». (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۱۴ / ۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰ / ۲)

۱-۳. فواتح

فواتح در لغت به معنی، شروع و آغاز است و در ارتباط با سوره‌های قرآن کریم، یعنی آیات آغازگر سوره‌ها و دسته‌بندی محتوایی آن‌ها. فواتح سور، یکی از مباحث مهمی است که از دیرباز قرآن‌پژوهان به آن پرداخته‌اند و مراد از آن چگونگی آغاز سوره‌هاست. فواتح سوره‌های قرآن کریم به طور کلی شامل مباحثی چون: فواتح تحمیدی؛ تسبیحی؛ ندایی؛ حروف مقطعه، قسمی؛ خبری، دعایی و... است. (زرکشی، ۱۴۰۸: ۱۶۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۳۶۱ / ۲) در خصوص فواتح سور گفته‌اند: حقیقت این رکن بلاغی آن است که مطلع و ابتدای کلام نوعی قرار داده شود که بر معنای مقصود از آن کلام دلالت نماید

که اگر مثلاً در مورد فتح و پیروزی می‌خواهد سخن بگوید، ابتدای کلامش نیز در مورد آن باشد که این مسأله به ذوق و سلیقه خدادادی و طبیعی مربوط می‌گردد، نه به درس و علم. (ابن اثیر، بی تا: ۲۱۹/۳)

۴-۱. خواتم

خواتم در لغت به معنی، مقاطع، پایان سور. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل ماده ختم) خواتم در اصطلاح به آخرین آیه یا آیات سوره‌های قرآن «خواتم السور» یا «خواتیم السور» می‌گویند، پایان سوره‌ها مانند آغاز آن‌ها از حس و زیبایی بی‌مانند برخوردار است و به خواننده گوش‌زد می‌کند که کلام الهی در حال پایان گرفتن است باید گوینده سخنش را به زیباترین و شیواترین شکل پایان دهد؛ به‌گونه‌ای که مخاطب منتظر ادامه سخن نباشد؛ زیرا چه بسا شنونده از همه گفته‌های او فقط آخرین سخن را به‌خاطر بسپارد. به‌طور کلی خواتم سوره‌های قرآن به اعتبار موضوعی عبارت‌اند از: خواتم تحریمی؛ تحمیدی؛ تسلیتی؛ تعظیمی؛ تهلیلی؛ دعایی؛ فرائضی؛ و ... (سیوطی، ۱۴۲۱: ۳۶۶/۳-۳۶۸؛ زرکشی، ۱۴۰۸: ۱/۱۸۲-۱۸۶؛ معرفت، ۱۳۸۸: ۵/۲۳۷)

۵-۱. مسبّحات

مَسْبَحَات در لغت، اسم فاعل از ماده «سبح» است و «سبح» در لغت به معنای حمد، ستایش، تقدیس، پاک و منزّه دانستن است. (سیّاح، ۱۳۷۱: ماده سبح؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۰۷/۲۳)

مَسْبَحَات اصطلاحاً سوره‌هایی هستند که با تسبیح خدا آغاز می‌شوند. نام «مَسْبَحَات» بر این سوره‌ها توسط خود پیامبر (ص) قرار داده شده است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱/۱۹)

این سوره‌ها با الفاظ (سبحان) در آغاز سوره اسراء (سَبَّح) در آغاز سوره‌های حدید، حشر، صف «یُسَبِّح» در آغاز سوره‌های جمعه، تغابن «سَبِّح» در آغاز سوره اُعلی شروع شده‌اند وعده‌ای از مفسران علوم قرآنی در تقسیم‌بندی نام‌ها و عناوین سوره‌های قرآن بر این مبنا که سوره با چه الفاظی آغاز گشته تکیه کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۹: ۱۳۷۴/۲۵۰؛ حجتی، ۱۳۷۵: ۱۰۵)

۲. دیدگاه مفسران و دانشمندان درباره علم تناسب

در خصوص تناسب میان آیات و سور میان محققان و مفسران اختلاف نظر است که در دو دیدگاه موافقان و مخالفان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۲. دیدگاه موافقان

زمخشری در کشف اصلی‌ترین وجه اعجاز قرآن را در نظم آن می‌جوید و معتقد است:

افزون بر آن که تحدی قرآن به نظم بوده، درک معنایش نیز در گرو فهم همین ویژگی اثر است: «النظم هو امعجاز القرآن والقانون الذی وقع علیه التحدی ومراعاته اهم ما یجب علی المفسر» (زمخشری، ۲: ۱۴۰۷/ ۳۸۷)

بقاعی نظم قرآن را توفیقی می‌داند و همین اعتقاد به توقیفیات آیات و سور، محور اصلی تفسیر اوست؛ یا به عبارتی، دلیل وحدت سیاق را همان توقیفیات می‌داند. (بقاعی، ۱۴۱۵: ۹/۱)

این عاشور همبستگی در آیات و سور را قبول دارند و قائل به توقیفی بودن آیات هستند و ی پس از بیان این مطلب که گردآوری چینش تمامی آیات و سوره‌ها از جانب پیامبر (ص) است، نتیجه‌گیری می‌کند که اصل در آیات قرآن آن است که میان هر آیه و آیه‌ای که به آن می‌پیوندند به شیوه سخنان به هم پیوسته، در غرض و در انتقال یابی و مانند آن تناسب وجود داشته باشد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۷۹-۸۱)

فخر رازی چینش و ترتیب آیات را علاوه بر فصاحت و عمق معانی آن، معجزه‌ای از جانب خدا می‌داند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷/۱۰۶) او معتقد است کسانی که از موهبت قریحه و ذوق قوی در کشف علوم الهی برخوردار باشند، به این نکته پی می‌برند؛ که ترتیبی بهتر و کامل‌تر از چینش و هم‌جواری آیات قرآن وجود ندارد. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۵۶۲)

محمی‌الدین بن عربی گفته است: فهم کامل قرآن تنها از رهگذر مناسبات امکان‌پذیر است و کسی که از منظر این علم به آیات بنگرد به علمی بزرگ دست خواهد یافت. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱۴/۱)

ابن قتیبه در کتاب خود «تاویل مشکل القرآن» به مطالعه نظم آیات و مقایسه شیوه تألیف آن با دیگر سخنان پرداخت و نظریه‌اش را این چنین تبیین می‌کند:

۱. الفاظ قرآن از نظر نظم و ترکیبشان با یکدیگر چنان‌اند که به نحوی سلیس و روان با معانی و محتوا هم خوانی و تناسب دارند؛ همچنان که عبارات قرآن نیز مثل جویباری روان می‌شوند و لغزش، تیرگی، واژه‌های نامأنوس و بیگانه و به دور از کلام اضافه ندارند. (۲) نظم و ایقاع موسیقایی آیات در نظم و هماهنگی داخلی آیه‌ها می‌توان بازساخت؛ چون این نظم خود را در سازگاری حروف، پی‌درپی آمدن یا فاصله یافتن آنها از همدیگر، و پیروی آنها از چینشی خاص یا ایجاد تغییری در چینش متوقع باز می‌نمایند. (ابن کتیبه، ۱۱: ۱۴۲۳-۱۷) سید قطب نیز به توقیفی بودن جمع قرآن معتقد است. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۱/ ۲۷) همچنین عبدالله دراز به توقیفی بودن سوره اعتقاد دارد و می‌گوید: «هر سوره دارای طرحی منسجم و متشکل از دیاچه، موضوع و خاتمه می‌باشد. وی با ارائه ساختار سوره بقره در کتاب خود نشان داد که حتی بزرگ‌ترین

سوره قرآن را نیز این گونه می‌توان تفسیر نمود». (درّاز، ۱۴۲۷:۲۱۱-۱۶۳) ابن زبیر می‌گوید: «ترتیب سوره‌ها توقیفی است و اجتهاد در آن راه ندارد و تلاش کرد حکمت این ترتیب را در تناسب سور نشان دهد». (ابن زبیر، بی‌تا: ۴۴) باقلانی نیز مخاطب را به تدبیر در چینش آیات مرتبط با یک سیاق، چینش فواصل، و رابطه فواتح با خواتم هر سوره دعوت می‌کند. (باقلانی، بی‌تا: ۱۹۳) در تفسیر کاشف آمده است: توجه به همبستگی آیات یک سوره در تفسیر قرآن بسیار حائز اهمیت است، زیرا تجزیه قرآن و تفسیر هر یک از سوره‌های قرآن بیش از هر چیز برای قرآن زبان‌آور است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۳: ۱/۱۳) علامه طباطبایی، در بحث تناسب آیات و سور، قائل به تفصیل می‌باشد، به این معنی که ترتیب سوره اجتهادی و ترتیب اکثر آیات را توقیفی و تنها ترتیب بعضی آیات به دلیل عدم وحدت سیاق، اجتهادی می‌داند. تناسب میان آیات را به جز مواردی که دلیل قطعی مبنی بر یکباره نازل شدن آیات وجود دارد توقیفی می‌داند. برای بیان تناسب آیات محور اساسی از نظر ایشان وحدت سیاق است و در بسیاری از موارد دلیل تناسب آیات را هم وحدت سیاق می‌داند که نشان‌دهنده توقیفی بودن نظم آن دسته از آیات است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/۱۹۰)

سیوطی نیز علم مناسبت و برقراری ارتباط میان آیات را فنی ارزنده دانسته که به موجب آن، پیوند اجزای سخن همانند بنایی مستحکم قوت می‌یابد، هر چند مفسران به سبب دقتی که در آن هست، کمتر به آن اهتمام ورزیده‌اند و پیوستگی آیات تا آنجاست که گویی تمامی قرآن، تنها یک سخن نیست (سیوطی، ۱۳۷۶: ۲/۳۳۶ - ۳۴۱) عده‌ای نیز گفته‌اند: «یکی از مظاهر إعجاز قرآن نظم و اسلوب این کتاب است و یکی از مظاهر هر نظم، ارتباط میان آیه‌ها و تناسب سوره‌ها است». (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۲۸) محمود حجازی این علم را دقیق و راه آن را صعب و دشوار دانسته معتقد است: «تنها کسانی می‌توانند از سرچشمه این علم سیراب شوند که وجودشان مالا مال از عشق به قرآن باشد و با هر گونه هوای نفس مخالفت کنند.» (حجازی، ۱۳۹۰: ۴۰)

۲-۲. دیدگاه مخالفان

صبحی صالح می‌گوید: ترتیب توقیفی سوره‌ها لزوماً به این معنی نیست که میان هر سوره و سوره پس از آن رشته‌های پیوندی نزدیک وجود داشته باشد و نیز معتقد است: «علم مناسبت و کشف ارتباط آیات، مفسر را از پرداختن به سبب نزول، بی‌نیاز می‌کند». (صبحی صالح، ۱۹۷۷: ۱۵۱ - ۱۵۷) شوکانی به تناسب و پیوستگی آیات پایبند نیستند و می‌گویند، چون قرآن در طول ۲۳ سال نازل شده است و در پی بعضی حوادث و اتفاقات، پس نمی‌توان بین آیات ارتباطی یافت و اصرار داشتن بر آن و یافتن تناسب برای آیات، کاری بیهوده است. (شوکانی، بی‌تا: ۱/۷۳). در میان مستشرقین نیز

عده‌ای از جمله ریچارد بیل و آرتور آربری قرآن را کاملاً مطالبی جدا از هم دانسته و بر عدم پیوستگی قرآن معتقدند. فریتوف شوآن، معتقد است: «اگر از بیرون به قرآن نگریده شده شود، این کتاب - به جز تقریباً ربع آخرش که شیوه‌ای شاعرانه دارد هر چند شعر نیست - مجموعه‌ای از اقوال یا قصص است که کم و بیش بی‌ارتباط و بی‌انسجام و در ابتدای امر در بعضی موارد نامفهوم می‌نماید». (خرمشاهی، ۱۳۶۵: ۱۷) آیت‌الله معرفت معتقد است: «هیچ تناسب معنوی میان سوره با یکدیگر وجود ندارد و هرگز ترتیب موجود بین سوره توقیفی نیست، بلکه این کار به دست صحابه از روی برخی مناسبت‌ها مثلاً کوچکی و بزرگی سوره‌ها و از این قبیل انجام گرفته است». (معرفت، ۱۳۷۹: ۲۴۶)

۳. تناسب فواتح با خواتم سوره مسبّحات

یکی از لطافت‌ها و ظرافت‌هایی که در آیات آغازین و پایانی سوره‌ها رعایت شده است، ارتباط معنی دار و عمیق این آیات با غرض و مقصود اصلی سوره است. در علوم قرآنی، علم تناسب صدر آیه با ذیل آن با عناوینی همچون علم فواتح با خواتم سوره، خوانده می‌شود. بدین ترتیب که ابتدای سوره با مقدمه‌ای ظریف آغاز و خلاصه‌ای از مهم‌ترین مطالب آن را بیان و پس از بدنه آیات پایانی با خاتمه‌ای لطیف، جمع بندی و نتیجه‌گیری نهایی غرض اصلی سوره را دوباره گوشزد می‌کند. دانشمندان برای آن انواع گوناگونی از جمله: لفظی و معنوی در نظر گرفته است؛ منظور از لفظی، آوردن کلمات موزون و قافیه دار و یا موزون و بدون قافیه است و معنوی آن است که سخنور معنایی را آغاز کند، آن‌گاه سخنش را با عباراتی که با آن معنا مناسبت معنوی - نه لفظی - دارد، به پایان برساند. بنابراین با توجه به انواع تناسب در اینجا به بررسی تناسب فواتح با خواتم این سوره می‌پردازیم:

۳-۱. تناسب سوره اسراء

تناسب آغاز و انجام این سوره از نوع بدیع استطرادی است به این بیان که مقصود اصلی کلام، یادآوری بنی اسرائیل نسبت به سوء تصرفات و سوء اعمالشان در طول حیات دینی و سیاست خویش بود با آنکه آنان در اشرف بقاع و امکانه کره زمین، می‌زیستند و بالاترین عامل و ابزار هدایت، در دسترس آنان بود. در عین حال بر اثر سوء سلیقه، به سرانجام بسیار بدی گرفتار شدند: و ابتدا سیر از مسجد الحرام به مسجد الاقصی را مطرح فرمود و بدین وسیله مناسب دید که هتک حرکت مقدس‌ترین بقاع عالم را توسط فرزندان خودش که به واسطه آن به شرف بزرگی رسیده بودند بیان کند، تا اینکه شاید آنان بیدار شده و از شرارت دست بردارند و این از زیباترین نوع ورود و خروج به

مطالب بوده و از لطیف‌ترین استهلال و شگفت‌انگیزترین بدایع کلامی است و با حمد و سپاس و الهی و توصیف، توحید و تکبیر خدا پایان می‌پذیرد: ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَكَبُرَ تَكْبِيرًا﴾ (اسراء: ۱۱۱)... و نه به خاطر ضعف و ذلت سرپرستی سوره به این است که با تسبیح خدا شروع، به هتک حرمت بنی اسرائیل نسبت به بیت المقدس ادامه و در خاتمه با تکبیر حق تعالی به فرجام می‌رسد و با معراج رسول خدا آغاز و با حمد و سپاس او پایان می‌پذیرد، زیرا مسأله یکی از الطاف عالیه برای پیامبر اسلام و مسلمین است، حمد و سپاس خدا را ایجاب و اقتضا می‌کند بنابراین، تناسب آغاز و فرجام این سوره، ارتباط و پیوند آن بسیار محکم و روشن است. (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸: ۱/ ۲: ۴۵۷؛ معرفت: ۲۳: ۱۳۸۸)

غماری در جواهر البیان می‌گوید:

این سوره با تسبیح خداوند شروع و با حمد الهی خاتمه یافته است. (غماری، بی‌تا/۵۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۸/ ۵۸۵) در تفسیر فی ظلال آمده است: «پایان این سوره نیز همانند آغاز سوره به حمد خدا و اقرار به وحدانیت و تنزیه خداوند از داشتن مصاحب و فرزند و شریک می‌پردازد که این مسأله در واقع محور سوره است». (سید قطب، ۱۴۲۵: ۴/ ۲۲۵۴) طبرسی در تفسیر خود معتقد است: «این سوره با نام پیامبر (ص) و معراج آن حضرت به مسجد اقصی آغاز و با حمد الهی و وحدانیت و ذکر نام پیامبر (ص) و قرآن خاتمه یافته است». (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/ ۱۶۱-۲۳۰) این سوره پیرامون مسأله توحید و تنزیه خدای تعالی از هر شریکی که تصور شود می‌باشد و با اینکه در این مورد بحث می‌کند، اما مسأله تسبیح خدا را بر مسأله حمد و ثنای او غلبه داده، و بیشتر به قسم دوم پرداخته است، هم‌چنان که ابتدای آن را با جمله ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء/۱) شروع کرده و در خلال سوره هم پی‌درپی تسبیح او را تکرار نموده، یک جا فرموده: «سبحانه و تعالی عما يقولون»، (اسراء/ ۴۳) و جایی دیگر فرموده: ﴿قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ﴾ (اسراء/ ۹۳) و یا فرموده: ﴿وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا﴾ (اسراء/ ۱۰۸) و حتی در آیه‌ای که سوره به آن ختم می‌شود نیز معنای تسبیح خدای را متذکر گردیده و او را با تنزهش از داشتن شریک و ولی و اتخاذ فرزند ستوده و فرموده است: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَكَبُرَ تَكْبِيرًا﴾ (اسراء/ ۱۱۱) (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۱۳) در کتاب شناخت سوره‌های قرآن کریم آمده است: «ارتباط و فرجام سوره به این است که با تسبیح الهی شروع و با تکبیر او به پایان می‌رسد و با معراج رسول خدا (ص) آغاز و با حمد و سپاس خدا پایان می‌پذیرد، زیرا مسأله معراج که یکی از الطاف عالیه الهی برای پیامبر اسلام و مسلمین

است، حمد و سپاس خدا را ایجاب می‌کند، بنابراین، تناسب آغاز و فرجام این سوره، ارتباط و پیوند آن بسیار محکم و روشن است». (هاشم‌زاده هریسی، ۱۳۷۷: ۲۲۴) بنابراین در میان آیات آغاز و انجام سوره اسراء تناسب معنوی وجود دارد که در رابطه با تنزیه خداوند از شرک می‌باشد.

۳-۲. تناسب سوره حدید

آیات نخستین سوره پیرامون توحید و صفات خداوند که در حدود بیست و سه صفت از اوصاف الهی است آغاز می‌شود، اوصافی که شناخت آنها سطح معرفت انسانی را بالا می‌برد، و به ذات مقدس او آشنا می‌کند. (مکارم شیرازی ۱۳۸۶: ۳۳ / ۳۰۶). آیات پایانی نیز غرض الهی را از فرستادن رسولان و نازل کردن کتاب و میزان همراه اشیا را بیان کرده، می‌فرماید: غرض از این ارسال رسل و انزال کتب این بود که انبیاء مردم را به عدالت عادت دهند، تا در مجتمعی عادل زندگی کنند، و آهن را نازل کرد تا بندگان خود را در دفاع از مجتمع صالح خود و بسط حکمه حق در زمین بیازماید، علاوه بر منافع دیگری که آهن دارد، و مردم از آن بهره‌مند می‌شوند و نیز وعده داده که در عوض انفاقشان أجری کریم و بسیار زیاد بدهد و اشاره کرده به اینکه منشا این انفاق تقوا و ایمان به رسول (ص) است و اثرش آموزش گناهان و داشتن دوبرابر از رحمت و ملازمت با نور و بلکه ملحق شدن به صدیقین و شهدا در نزد خداوند سبحان است. (طباطبایی، ۱۹: ۱۳۷۴ / ۲۸۵ - ۳۰۰) در جواهر البیان آمده است: این سوره با ثنای الهی آغاز شده: ﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (حدید/ ۱) و با آیه: ﴿وَإِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (حدید/ ۲۹) ۲ خاتمه یافته که آیه اول با آیه آخر آن در موضوع ثنای الهی با هم تناسب دارند. (غماری، بی‌تا: ۱۱۴)

در نتیجه آیات آغازین سوره صفات الهی را بیان می‌کند و آیات پایانی سوره نیز به بیان صفات الهی می‌پردازد. لذا تناسب مابین آیات آغاز و انجام سوره هم تناسب معنوی و هم لفظی است.

۳-۳. تناسب سوره حشر

آیات پایانی سوره به آیات آغازین آن بازگشته است (رَدُّ الْعِزِّ إِلَى الصَّدْرِ) چرا که هر دو قسمت سوره شبیه یکدیگرند لذا میان دو بخش از سوره تناسب وجود دارد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸ / ۱۱۴) این سوره همانگونه که با تسبیح خداوند، و نام «عزیز» و «حکیم» آغاز می‌شود، با نام «عزیز» و «حکیم» نیز پایان می‌گیرد؛ چرا که هدف نهایی سوره شناخت خدا و تسبیح او و آشنایی با اسماء و صفات مقدس او است. (سید

قطب، ۱۴۲۵: ۱/۶ (۳۵۲۱)

در کتاب جواهر البیان آمده است: در آغاز و انجام این سوره تکرار از نوع عین کلمه وجود دارد آنجا که خداوند می‌فرماید: ﴿سَجَّ لَه مَافِ السَّمَوَاتِ وَمَافِ الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (حشر: ۱)، ﴿سَجَّ لَه مَافِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (حشر: ۲۴) که در کلمات «سَجَّ» و «سَجَّ» و «هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» تناسب از نوع تکرار است. (غماری، بی تا: ۱۱۸ سیوطی، ۱۴۲۶: ۳۲) اگر سوره را با مساله تسبیح افتتاح نمود، به خاطر مطالبی است که در خلال سوره آمده، و آن - همان طور که گفتیم - خیانت یهود و نقض عهدش، و وعده فریبکارانه منافقین به یهودیان است، خواسته بفهماند این گونه مکرها بر دامن کبریایی خدا گردی نمی‌نشانند، و اگر آیه را با جمله «عزیز» و «حکیم» ختم کرد، برای این است که باز در این سوره سرانجام کار یهود و منافقین را تشبیه کرده به اقوامی که در قرن‌های نزدیک به عصر یهودیان و منافقین و بال فریبکارانه خود را چشیدند، و این خود شاهد عزت و اقتدار خداست، و نیز اگر دچار عذاب شدند، بدین جهت بوده که عذابشان بر طبق حکمت و مصلحت بوده، و این خود شاهد حکمت خدا است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۳۴۸-۳۴۹) این سوره با تسبیح و تنزیه خداوند و بیان عزت و حکمت او شروع می‌شود (مکارم شیرازی، ۲۳: ۱۳۸۶/۴۹۶) و می‌فرماید: ﴿سَجَّ مَافِ السَّمَوَاتِ وَمَافِ الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (حشر/ ۱) و سوره با مضمونی افتتاح شده که با همان مضمون ختم می‌شود، چون در آخر سوره باز سخن از تسبیح تمامی موجودات آسمان‌ها و زمین رفته، می‌گوید: ﴿سَجَّ لَه مَافِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (حشر/ ۲۴) لذا تناسب در این سوره هم شامل معنوی و هم لفظی است.

۳-۴. تناسب سوره صف

خداوند به برخی از خطاهای مؤمنان از قبیل عدم هماهنگی میان قول و عمل اشاره کرده، لازمه آن این است که ساحت کبریایی خود را از این اشتباهات تسبیح و تنزیه کند. برخی مفسران مقصود این آیات را یادآوری صفات زشت قوم بنی اسرائیل بیان می‌کند که فصل مشترک آن صفات زشت اخلاقی، بی‌احترامی به مقام رسالت حضرت موسی (ع) است. (حوی، ۱: ۱۴۱۴/۵۸۸۰)

در جواهر البیان آمده است:

آغاز سوره با فرمایش حضرت موسی به قومش شروع شده آنجا که می‌فرماید: «وَأَذِّقُوا لِقَوْمِ اللَّهِ حُمُقًا، فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (صف/ ۵) و پایان آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنصَارِي إِلَى اللَّهِ؟ (صف/ ۱۴) با فرمایش حضرت عیسی (ع) به بنی اسرائیل خاتمه یافته است و این تناسب دارد با آغاز و انجام آن برای اینکه حضرت موسی و عیسی علیهم السلام از

رسولان بنی اسرائیل است و هر دو دارای شریعت هستند. (غماری، بی تا: ۱۲۰؛ سیوطی، ۱۴۲۶: ۷۱؛ ابن زبیر، بی تا: ۱۸۶) آیات پایانی سوره (صف / ۱۴) به ماجرای حضرت عیسی (ع) و حواریون می پردازد که تکیه و تأکید روی امر جهاد است که محور اصلی سوره را تشکیل می دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴ / ۹۴)

در میزان آمده است: «آغاز این سوره، سخن از تسبیح خداوند است آنجا که خداوند متعال می فرماید: «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (صف / ۱) اگر سوره مورد بحث را با تسبیح و تنزیه خدا از هر نقص آغاز کرده برای این است که در این سوره سخن از بدی ها و توبیخ مؤمنین به میان آمده که چرا چیزی را می گویند که خود عمل نمی کنند و آن گاه تهدیدشان کرده به اینکه اگر به خود نیابند، دچار خشم خدا گشته، و خدا دل های تبهکاران را منحرف می سازد». و نیز معتقد است: «چون خداوند در این سوره مؤمنان را به جهت عدم هماهنگی میان گفتار و عمل توبیخ کرده است، لذا در ابتدای آن خود را از هر نقص، تسبیح و تنزیه می نماید». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۴۲۰) بنابراین تناسب معنایی میان آیات آغاز و انجام این سوره در ترغیب مؤمنان به مساله جهاد برقرار است.

۳-۵. تناسب سوره جمعه

سیوطی در خصوص تناسب آیات سوره جمعه معتقد است: «این سوره در وصف حال قوم پیامبر (ص) و فضیلتشان بر دیگران سخن می گوید و اشاره ای به مسأله نماز جمعه نکرده است». (سیوطی، ۶: ۱۴۰۴ / ۲۱۵) سعید حوی به ارتباط میان اسماء الهی در آیه اول با موضوع بعثت پیامبر (ص) اشاره کرده و می گوید:

«ذکر اسماء الهی از قبیل، ملک، قدوس، عزیز و حکیم، در ابتدای این سوره و سپس ذکر مسأله بعثت رسول خدا (ص) بر مردم امی بیانگر است که خداوند حضرت محمد (ص) را برای رسالت اختصاص داد و قوم عرب را به این فضیلت و شرافت برگزید که رسولی از جنس خودشان بر ایشان مبعوث کند و نقصی بر این گزینش و اختیار از سوی خدا وجود ندارد، زیرا او قدوس از هر پلیدی و ناپاکی است و این از اثرات عزت و شکست ناپذیری و مظهر حکمت خدای تعالی است که اگر کسی بر این مسأله اعتراض کند منزلت خدا، را نشناخته است و کسی جز جاهل اعتراض نمی کند» (حوی، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۵۹۰۱)

حوی، موضوع نماز جمعه در بخش پایانی سوره جمعه را به عنوان مصداقی از شریعت حضرت رسول (ص) و اهتمام خداوند در برگزاری آن بیان می کند، و آن را راهکار ارائه شده از سوی خدا برای وارد نشدن مؤمنان به ورطه غفلت و بی خبری از یاد خدا می داند و دسته اول و دوم آیات را در بیان هدف سوره مؤثر می داند (حوی، ۱۴۱۴:

۱۰/۵۹۱۷) بقاعی هدف سوره جمعه را برپایی نماز جمعه مطرح کرده است. (بقاعی، ۷: ۱۴۱۵/۵۹۰) اما سید قطب همانند حوئی آیات پایانی سوره جمعه را در هدف آن مؤثر نمی‌داند. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۶/۳۵۶۹) سیوطی در مراصد نوشته است: «سوره جمعه با وصف الهی شروع شده آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَسْجَ لِّلَّهِ مَافِ السَّمَوَاتِ وَمَافِ الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (جمعه / ۱) و پایان سوره نیز با موضوع وصف الهی ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (جمعه / ۱۱) خاتمه یافته است». (سیوطی، ۷۱: ۱۴۲۶) طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان معتقد است: «این سوره با بیان قدرت خداوند بر تمامی اشیاء شروع شده و در مورد علامات نفاق و کسانی که پیامبر (ص) را در حال نماز یا خطبه ترک کردند یا اشتغال به لهو و درخواست برتری داشتند خاتمه یافته است». (طبرسی، ۱۴۳۰: ۱۰/۱۱)

از موارد تناسب دیگر این سوره، این است که سوره با فرمایش پیامبر (ص) آغاز شده (جمعه / ۱) و با فرمایش پیامبر (ص) (جمعه / ۱۱) خاتمه یافته است. (غمّاری، بی تا: ۱۲۱) در تفسیر نمونه آمده است:

«این سوره با تسبیح و تقدیس پروردگار شروع می‌شود و بر دو موضوع اصلی دور می‌زند: نخست توجه به توحید و صفات خداوند و هدف از بعثت پیامبر اسلام و مساله معاد و دیگری برنامه سازنده نماز جمعه و بعضی از خصوصیات این عبادت بزرگ». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴ / ۱۰۴-۱۰۵)

علامه طباطبایی معتقد است:

این سوره به بیانی کامل انگیزنده، مسلمین را وادار می‌کند که نسبت به نماز جمعه اهتمام بورزند، و آنچه در به‌پاداشتنش لازم است فراهم سازند، چون نماز جمعه از شعائر بزرگ خدا است که تعظیم و اهتمام به امر آن، هم دنیای مردم را اصلاح می‌کند، و هم آخرتشان را، و خدای تعالی بیان این مطلب را با تسبیح و تنای بر خود آغاز کرد که در میان قومی امّی رسولی از خود آنان مبعوث کرد تا آیات او را بر آنان بخواند، و با اعمال صالح و اخلاق پاک تزکیه‌شان کند، و کتاب و حکمتشان بیاموزد و به همین منظور کتاب خدا و معارف دینش را به بهترین وجهی بر آنان و افرادی که به آنان ملحق می‌شوند، و نسل‌های بعد از آن تحمیل کرد، و زنده‌شان داد از اینکه مثل یهود نباشند که خدای تعالی تورات را بر آنان تحمیل کرد، ولی آنان آن را حمل نکردند، و به معارف آن معتقد نشدند و به احکامش عمل نکردند؛ در نتیجه مانند الاغی شدند که بارش کتاب باشد. و در آخر به عنوان نتیجه دستور می‌دهد که وقتی بانگ نماز جمعه بلند می‌شود بازار و دادوستد را رها نموده، به سوی ذکر خدا بشتابند و نیز افرادی را

که خلاف این دستور عمل می‌کنند، و رسول خدا (ص) را در حالی که مشغول خطبه نماز است رها نموده، به سوی دادوستد می‌روند، سرزنش می‌کند، و این رفتار را نشانه آن می‌داند که این‌گونه افراد معارف کتاب خدا و احکامش را نپذیرفته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/ ۴۴۳-۴۴۴) علامه در این سوره یهود را در حاشیه، و آخر سوره را اصل معرفی می‌کند و نیز هدف و غرض سوره از تهییج و تشویق مسلمانان به نماز جمعه و آماده‌سازی شرایط اقامه آن بیان می‌کند. زیرا آن از شعائر بزرگ خدا است و اهتمام به آن سبب اصلاح امر دنیا و آخرت مردم می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/ ۴۴۹) با توجه به مطالب گفته شده تناسب آیات آغاز و انجام این سوره از نوع تناسب معنوی بوده که دعوت می‌کند به کتاب الهی عمل کنند.

۳-۶. تناسب سوره تغابن:

این سوره با تسبیح الهی شروع شده آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرَوْنَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (تغابن / ۴) و با موضوع تسبیح الهی در آیه ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (تغابن / ۱۸) خاتمه یافته است. (غماری، بی‌تا، ص ۱۲۳؛ سیوطی، ۱۴۲۶: ۷۲) در تفسیر نمونه آمده است:

این سوره با تسبیح خداوند آغاز می‌شود، خداوندی که مالک و حاکم بر کل جهان هستی، و قادر بر همه چیز است. این تسبیح و حمد، در حقیقت لازمه قدرت او بر همه چیز، و مالکیت او نسبت به هر چیز است؛ زیرا تمام اوصاف جمال و جلالش، در این دو امر نهفته است.

و در آیات پایانی به اوصاف پنج‌گانه خداوند اشاره شده که همگی نوعی ارتباط با مساله انفاق در راه او دارد، ولی توجه به این صفات پنج‌گانه خداوند، علاوه بر مساله تشویق به انفاق، انسان را در مساله اطاعت پروردگار به طور کلی، و خودداری از هرگونه گناه مصمم‌تر می‌کند و به او قوت قلب و نیروی اراده و روح تقوا می‌بخشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴/ ۱۸۵-۲۱۲).

علامه طباطبایی می‌فرماید:

غرض این سوره از نظر سیاق و نظم شبیه به سوره حدید است، و گویی خلاصه‌ای از آن است، و غرض سوره این است که مؤمنین را تشویق و تحریک کند به اینکه در راه خدا انفاق کنند، و غرض دیگر این است که ناراحتی‌ها و تأسف‌هایی که در اثر هجوم مصائب در دل‌هاشان نشسته برطرف سازد، و نوید دهد که اگر در راه ایمان به خدا و جهاد در راه او و انفاق در آن راه مشقّاتی را متحمّل شوند، همه به اذن خدا است و نیز آیاتی که در صدد سور واقع شده جنبه مقدمه و زمینه‌چینی برای بیان غرض سوره را

دارد، در آن آیات بیان می‌کند که اسمای حسنی و صفات علیای خدا اقتضا می‌کند که برای شریعت و بازگشتی فراهم سازد، تا همه به سویش برگردند و در آن از بازگشت اهل ایمان و عمل صالح به سوی بهشت جاودان هدایت شوند، و اهل کفر و تکذیب به سوی آتش ابدی رانده شوند. (طباطبایی، ۱۹: ۱۳۷۴/۴۹۴-۴۹۵)

بنابراین تناسب لفظی میان کلمات «تعلمون» و «عالم» وجود دارد و در رابطه با انفاق و مساله معاد تناسب معنوی برقرار است.

۳-۷. تناسب سوره اعلی:

در نظم الدرر آمده است: آیات آغازین سوره در مورد تسبیح الهی است: «سبح اسم ربك الاعلی (اعلی / ۱) و آیه پایانی: ﴿ان هذا الفی الصحف الاولى صحف ابراهیم و موسی﴾ (اعلی / ۱۸-۱۹) که لفظ «هذا» در اینجا به تسبیح الهی اشاره دارد که از این نظر آغاز و انجام سوره با هم تناسب دارد». (بقاعی، ۱۴۲۷: ۸/ ۴۰۲؛ غماری، بی‌تا: ۱۴۴) و نیز معتقدند: «آیات انتهایی سوره نیز مؤید این مطلب است که معارف ذکر شده در سوره اعلی بر ضمیر تمامی انبیاء جاری شده است زیرا سعادت انسان و کرامت نفسش تنها در گرو اشتغال به این مطالب انجام می‌شود». (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱: ۷/ ۴۰۱)

در مجمع‌البیان آمده است: «سوره مورد بحث با ذکر صفات الهی و قدرت خداوند شروع شده و با ترغیب و تشویق در مورد اینکه آخرت بهتر از دنیا است پایان یافته است». (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷/ ۲۰-۳۰).

علامه در المیزان می‌فرماید: «در آیات این سوره به توحید خدای تعالی امر شده، توحیدی که لایق به ساحت مقدس او باشد و نیز تسبیح و تنزیه ذات متعالیه‌اش از اینکه نام مقدسش با نامی دیگر ذکر شود، و یا چیزی که باید به او مستند شود بغیر او نسبت دهد». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۴۳۹)

این سوره، که در حقیقت عصاره مکتب انبیاء و دعوت پیامبران است از تسبیح و تقدیس پروردگار شروع می‌شود و بعد به شمارش اوصاف هفت‌گانه‌ای در مورد خداوند متعال می‌پردازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۶/ ۳۸۴) بعد سخن از ربوبیت و توحید پروردگار بوده و به دنبال آن در آیات مورد بحث، سخن از قرآن و نبوت پیامبر (ص) است، در ادامه بعد از هدایت عمومی موجودات، سخن از هدایت نوع انسان شروع می‌شود و بالاخره از قرآن که بیانگر این تسبیح است سخن به میان می‌آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۶/ ۳۸۴ و ۳۹۳) در آیات پایانی سوره، اشاره‌ای به مجازات سخت کفار معاند، و دشمنان حق شده، و نهایتاً به نجات اهل ایمان و عوامل این نجات اشاره می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۶/ ۳۹۹-۴۰۲) بنابراین با توجه به آنچه بیان شد تمام آیات این سوره در یک سیاق قرار دارند و تناسب بین آیات آغاز و انجام آن از نوع

تناسب معنوی است.

نتیجه

از پژوهش حاضر نتایج و یافته‌های زیر بدست می‌آید:

۱- از موضوعات علوم قرآنی، تناسب آیات و سوره قرآن کریم است که مورد توجه محققان و مفسران بوده است. در مورد وجود تناسب یا عدم آن میان محققان و مفسران اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آن را قبول داشته و قائل به توقیفی بودن نظم سوره‌ها و آیات قرآن هستند ولی برخی به آن اعتقاد نداشته و قائل به عدم توقیفیت هستند و آن را بر مبنایی وحدت سیاق می‌دانند.

۲- سوره مسبّحات مجموعه هفت سوره‌ای شامل سوره‌های اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی است که به دلیل آغاز شدن همه آن‌ها با تسبیح به این نام نامیده شده‌اند.

۳- دانشمندان علوم قرآنی تناسب را به انواع گوناگونی از جمله: لفظی و معنوی تقسیم نمودند که آغاز و انجام سوره‌مسیّحات بر اساس آن مورد بررسی قرار گرفت.

۴- تناسب در این سوره‌ها از نوع لفظی یا معنوی است که از مجموع آنها سوره‌های اسراء، صف، جمعه، اعلی؛ تناسب از نوع معنوی و سوره‌های حدید، حشر، تغابن؛ از نوع لفظی و معنوی است و بنا بر نظر برخی از مفسران از بین این سوره‌ها در سوره حشر، تناسب از باب ردالعجز إلی الصدر است.

منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دارالکتب الاسلامی.
۲. ابن اثیر، نصرالله بن محمد (بی تا): «المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعرا»، تحقیق: احمد الحوفی، مصر: دار نهضة للطباعة و النشر و التوزیع.
۳. ابن زبیر، احمد بن ابراهیم (بی تا): «البرهان فی تناسب سور القرآن»، تقدیم و تحقیق: سعید بن جمعه الفلاح، دار ابن الجوزی.
۴. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰): «تفسیر التحریر و التنویر»، لبنان: التاريخ العربی.
۵. ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۱۰): «رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن»، دمشق: مطبعة نصر.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴): «معجم مقاییس اللغة»، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مرکز النشر، مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۲۳): «تاویل مشکل القرآن»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۰۸): «لسان العرب»، بیروت: دار احیاء التراث.
۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۰. ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۰): «چهره پیوسته قرآن»، تهران: هستی نما.
۱۱. بازرگان، عبدالعلی (۱۳۷۲): «نظم قرآن»، تهران: قلم.
۱۲. باقلانی، محمد بن طیب (بی تا): «عجاز القرآن»، به کوشش: سید احمد صقر، قاهره: دارالمعارف.
۱۳. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷): «نظم الدرر فی تناسب الایات و السور»، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۴. بی آزار شیرازی، عبدالکریم؛ حجتی، محمدباقر (۱۳۶۳): «تفسیر کاشف»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹): «تفسیر تسنیم»، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۶. حجازی، محمدمحمدود (۱۳۹۰): «وحدہ الموضوعه القرآن الکریم»، قاهره، دارالکتب الحدیثه.
۱۷. حجتی، محمدباقر (۱۳۷۵): «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. حوی، سعید (۱۴۱۴): «الاساس فی التفسیر»، مصر: دارالسلام.
۱۹. خامه گر، محمد (۱۳۸۶): «ساختار هندسی سوره های قرآن»، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۶۵): «ذهن و زبان و حافظ»، تهران: مرکز دانشگاهی.
۲۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷): «لغت نامه دهخدا»، زیر نظر: محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. دراز، محمد بن عبدالله (۱۴۲۷): «النبأ العظیم»، تهران: انتشارات اسلامی.
۲۳. راغب، اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲): «مفردات الفاظ القرآن»، محقق: داوودی، صفوان بن عدنان، بیروت: دارالشامه.
۲۴. زحلی، وهبه (۱۴۲۲): «التفسیر الوسیط»، بیروت: دارالفکر.
۲۵. زرکشی، محمدبن عبدالله (۱۴۰۸): «البرهان فی علوم القرآن»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۶. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷): «الکشاف»، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۷. سلطان محمد، گنابادی (۱۴۰۸): «بیان السعاده فی مقامات العباد»، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۸. سید بن قطب، سید بن ابراهیم شاذلی (۱۴۲۵): «فی ظلال القرآن»، بیروت: قاهره، دارالشروق.
۲۹. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴): «الترر المنثور فی تفسیر المانور»، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی
۳۰. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱): «الاتقان فی علوم القرآن»، بیروت: انتشارات دارالکتب العربی.
۳۱. سیوطی، جلال الدین (۱۳۷۶): «الاتقان فی علوم القرآن»، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

۳۲. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۶): «مرادص المطالع فی تناسب المقاطع و المطالع»، تحقیق: عبدالحسین بن عبدالعزیز، ریاض: مکتبه دارالمنهاج.
۳۳. شحاته، عبدالله محمود (۱۳۷۴): «اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم»، مترجم: سید محمد باقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۴. شوکانی، محمدبن علی (بی تا): «فتح القدير»، بیروت، دارالفکر.
۳۵. صدرالدین شیرازی: محمدبن ابراهیم (۱۳۶۱): «تفسیر القرآن الکریم»، قم: بیدار.
۳۶. صالح، صبحی (۱۳۷۲): «مباحث فی علوم القرآنیه»، قم: الشریف الرضا.
۳۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: انتشارات اسلامی.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۳): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت، مکتبه دارالمجتبی.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): «مجمع البیان، مترجم: هاشم رسولی، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۴۰. طوسی محمد بن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۱. غماری الحسنی، محمد الصدیق (بی تا): «جواهر البیان فی تناسب سور القرآن»، مکتبه القاہره: مطبعه: محمد عاطف و سید طه.
۴۲. فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰): «التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)»، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰): کتاب العین، قم: هجرت.
۴۴. لویسی، معطوف (بی تا): «فرهنگ بزرگ جامع نوین»، مترجم: احمد سیاح.
۴۵. مصطفوی، حسن (۱۳۳۸): «التحقیق فی کلمات القرآن کریم»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۶. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸): «التمهید فی علوم القرآن»، قم: موسسه فرهنگی انتشارات التمهید.
۴۷. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۸): «علوم قرآنی»، قم: موسسه فرهنگی انتشارات التمهید.
۴۸. معین، محمد (۱۳۸۶): «فرهنگ فارسی»، عزیز الله علیزاده، تهران: کتاب راه نو.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱): «تفسیر نمونه»، جمعی از نویسندگان، تهران: دارالکتب الاسلامیه (چاپ‌های ۸۶ و ۹۱)
۵۰. هاشم‌زاده هریسی، هاشم (۱۳۷۷): «شناخت سوره‌های قرآن»، تهران: نشر رامین.
۵۱. همای، عباس (۱۳۷۵): «چهره زیبای قرآن»، اصفهان: انتشارات بصائر.

References

Holy Quran

1. Alousi, Sayyed Mahmoud (1415): " Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem", Beirut: Dar al-Kitab al-Islami.
2. Ibn Athir, Nasrullah ibn Muhammad (No date): " Al-Muthlem al-Sa'ir in the literature of the writer and the poet", research: Ahmad Al-Houni, Misr Dar Nahdah for printing and distribution.
3. Ibn Zubayr, Ahmad Ibn Ibrahim (No date): " Al-Barhan in the fit of Surah Al-Qur'an", presentation and research: Saeed Ibn Juma Al-Falah, Dar Ibn Al-Jawzi.
4. Ibn Ashur, Muhammad Tahir (1420): " Tafsir al-Tahrir wa Al-Tanweer", Lebanon: Tariq al-Arabi,
5. Ibn Arabi, Muhammad bin Ali (1410): " Rahmah Men al-Rahman fi Tafsir wa Esharat al-Qur'an", Damascus: Nasr Press.
6. Ibn Fares, Ahmed bin Fars (1404): " Mo'ajam Maqays al-Loqah", Research: Abdus Salam Muhammad Haroun, Qom: Markaz al-Nashrah Maktab al-Alam al-Islami,
7. Ibn Qutiba, Abdullah bin Muslim (1423): " Taa'wil Moshkel al- Qur'an", Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiyyah.
8. Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram (1408): " Lasan al-Arab", Beirut: Dar Ihya al-Trath.
9. Abulfatuh Razi, Hossein bin Ali (1408): " Ruz al-Jinnan wa Ruh al-Jinnan fi Taf-sir al-Qur'an", Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
10. Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (1380): " The continuous face of the Qur'an", Tehran: HasTi Nama.
11. Bazargan, Abdul Ali (1372): " Order of the Qur'an", Tehran: Qalam,
12. Baghalani, Muhammad bin Tayyib (No date): " Miracles of the Qur'an", with the effort of: Seyyed Ahmad Saqr, Cairo: Dar al-Maarif.
13. Baqa'i, Ibrahim ibn Omar (1427): " Nazm al-Dorar fi Tanasob Aayat wa So-war", Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiyyah.
14. Biazar Shirazi, Abdul Karim; Hojjati, Mohammad Baqer (1363): " Tafsir Ka-shif", Tehran: Farhang Islamic Publishing House.
15. Javadi Amoli, Abdullah (1389): " Tafsir Tasnim", Qom: Esra Publishing Center
16. Hijazi, Mohammad Mahmoud (1390): " Wahadah al-Mozoah fi al-Qur'an al-Karim", Cairo, Dar al-Kitab al-Hadithah
17. Hojjati, Mohammad Baqer (1375): " A research on the history of the Holy Qu-ran", Tehran: Islamic Culture Publishing House.
18. Hawi, Said (1414): " Basis of interpretation", Egypt: Dar al-Salam.
19. Khomeini, Mohammad (1386): " The Geometric Structure of the Quran's Su-rahs", Tehran: Islamic Propaganda Organization
20. Khorramshahi, Bahauddin (1365): " Mind and Language and Hafez", Tehran: University Center.
21. Dehkhoda, Ali Akbar (1377): " Dictionary of Dehkhoda", supervised by: Mo-hammad Moin and Seyyed Jafar Shahidi, Tehran: Tehran University Press
22. Daraz, Mohammad bin Abdullah (1427): " Al-Nabaa' Al-Azeem", Tehran: Is-lamic Publications 20
23. Ragheb, Esfahani, Hossein bin Muhammad (1412): " Vocabulary of the words of the Qur'an", researcher: Davoudi, Safwan Bes Adnan, Beirut: Dar al-Shame.
24. Zohili, Wahba (1422): " Al-Tafsir al-Wasit", Beirut: Dar al-Fikr.
25. Zar kashi, Mohammad bin Abdullah (1408): " Al-Borhan in the Sciences of the Qur'an", Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiyyah.
26. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1407): " Al-Kashaf", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

27. Sultan Mohammad, Gonabadi (1408): "Bayan al-Saadah fi maqamat al-Ibadah", Perot: Al-Alami Institute for Press.
28. Sayyed Ibn Qutb, Seyyed Ibn Ibrahim Shadli (1425): " In the Shadows of the Qur'an", Beirut: Cairo, Dar al-Sharrooq.
29. Siyuti, Jalal al-Din (1404): " Al-Dor al-Munthar fi Tafsir al-Mathur", Qom, Aya-tollah Azami Al-Marashi al-Najafi School
30. Siyuti, Jalal al-Din (1421): " Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an, Beirut", Dar Kitab al-Arabi
31. Siyuti, Jalal al-Din (1376): " Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an", Tehran: Amir Kabir
32. Siyuti, Jalal al-Din (1426): " Marased al-matalea' fi Tanasob al maqatea' wa al-Mtalea' ", research: Abdul Hossein bin Abdul Aziz, Riyadh: Dar al-Minhaj School.
33. Shahate, Abdullah Mahmoud (1374): " The goals and objectives of the Holy Quran", translator: Seyyed Mohammad Baqir Hojjati, Tehran: Farhang Islamic
34. Shukani, Mohammad bin Ali (No date): " Fatah al-Qadir", Beirut, Dar al-Fikr.
35. Sadruddin Shirazi; Muhammad bin Ibrahim (1361): " Tafsir al-Qur'an al-Karim", Qom: Bidar.
36. Saleh, Sobhi (1372): " Discussions in Qur'anic Sciences", Qom: Al-Sharif al-Reza
37. Tabatabai, Muhammad Hossein (1374): " Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an", Qom: Islamic Publications
38. Tabarsi, Fazl bin Hassan (1403): " Majma al-Bayan Fi Tafsir al-Qur'an", Bei-rut, Dar al-Mujtabi School
39. Tabarsi, Fazl bin Hassan (1372): " Majmam al-Bayan", translator: Hashem Ra-souli, Tehran: Nasser Khosrow Publications F.
40. Tousi Muhammad bin Hassan (No date): " Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an", Bei-rut: Dar Ahya Al-Tarath al-Arabi,
41. Qammari al-Hasani, Muhammad al-Siddiq (No date): " Jawaher al- Bayan fi Tanasob Sowar al-Qur'an", Cairo School: Mata'ah Muhammad Atef and Seyyed Taha
42. Fakhre razi, Muhammad bin Omar (1420): " Al-Tafsir al-Kabeer (Mafatih al-Ghaeab)", Beirut
43. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1410): " Kitab al-Ain", Qom: Hijrat.
44. Lewisi, Matuf (No date): " Farhang Bozur Jame Novin", translator: Ahmad Mo-bah.
45. Mostafavi, Hassan (1368): " Investigation of the words of the Holy Qur'an", Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance
46. Marfat, Mohammad Hadi (1388): " al-Tamhid fi Uloom al-Qur'an", Qom: Cul-tural Institute of Al-Tamhid Publications
47. Marfat, Mohammad Hadi (1378): " Qur'anic Sciences", Qom: Cultural Institute of Al-Tamhid Publications
48. Moin, Mohammad (2006): " Farhang Farsi", Azizullah Alizadeh, Tehran: New Way Kitab.
49. Makarem Shirazi, Nasser (1371): " Tafsir Nomoneh, a group of writers", Teh-ran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (Editions 86 and 91)
50. Hashemzadeh Harisi, Hashem (1377): " Knowing the Surahs of the Qur'an", Tehran: Ramin Publishing.
51. Hamami, Abbas (1375): " The Beautiful Face of the Qur'an", Isfahan: Basair Publications,